

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

افسانه وحدت

۰۷ جولای ۲۰۱۳

برای اکثریت کودکان ایران اوقات فراغتی وجود ندارد

داشتن اوقات فراغت یک حق است. در کشورهایی که این حق برای کودکان وجود دارد در مورد بهبودی آن صحبت می شود نه خود حق. در این کشورها جایی که خانواده از پس ایجاد اوقات فراغت مناسب برای کودک بر نمی آید دولت دخالت می کند و شرایط آن که کودک بتواند از این حق برخوردار شود را فراهم می کند، به خانواده کمک مالی داده می شود یا کودک به اردوهای تفریحی فرستاده می شود. اوقات فراغت برای کودکان از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است که بی توجهی به آن باعث آسیب های فراوان جسمی و روانی می شود. داشتن اوقات فراغت سلامت و نشاط کودک را باعث می شود و تضمین کننده یک زندگی شاد، مرفه و امن برای او است. اگر این حق را از کودک بگیرند، آن سه اصل دیگر تأثیر می گیرد و زندگی کودک را دستخوش انحراف و بحران می کند.

نوجوانی که به ورزش های مورد علاقه اش می پردازد و بازی و سرگرمی زندگی را پر می کند و یا به کارهای هنری مشغول است، به جای پرداختن به امور ناراحت کننده، اضطراب آور و نا امید کننده ذهن خود را به طرف فعالیت های لذت بخش و آرام بخش سوق می دهند. این امر آرامش خاطر کودک و رضایت مندی او از زندگی را به همراه دارد.

در ایران اما وضع طور دیگری است.

بایستی به این حق برای کودک پرداخت. اول باید گفت جایگاه کودک چیست. جای کودکان کجا است، حتی سن کودک را معنا کرد چرا که حکومت اسلامی قرن ها از جامعه متمدن جهانی عقب تر است.

ما در چند شماره قبل در مورد اهمیت شادی در زندگی کودکان میزگرد داشتیم و به این مهم پرداختیم. اهمیت اوقات فراغت هم از همین دست است. کارشناسان و پژوهشگران بسیاری در دنیا در مورد اهمیت داشتن اوقات فراغت و در اصل فراغت حالی در زندگی انسان ها نوشته اند. نقش این امر مهم در زندگی کودکان بسیار واضح تر است. داشتن اوقات فراغت به آن چیزی گفته می شود که شخص آن را با رضایت کامل از میان فعالیت های متنوع انتخاب کند. این زمانی است که فرد فرصتی دارد که از الزامات و وظیفه ای که مدرسه یا شغلش برای او تعیین کرده اندکی رها شود و آزادانه و با رضایت کامل درونی آن دقایق را بگذراند.

ببینیم کودک متولد در حکومت اسلامی ایران برای انجام امور فراغت خود چه ابزارهای در اختیار دارد؟

با یک مثال ساده می توان دقیق تر به مسأله نگاه کرد. دختر بچه ای را در ایران از طبقه متوسط و بالا یعنی آنهایی که بضاعت رفتن به مدرسه را دارند، در نظر بگیریم و قدری در مورد امکاناتی که جامعه به این کودک می دهد و نگاهی که حکومت اسلامی به او دارد، بپردازیم. اولین مانع سر راهش پوشش نامناسب است که تحرک لازم را از او می

گیرد. پوششی که می خواهد به او القا کند که ارزشش برابر مردان نیست و برای آن که مردها گناه مرتکب نشوند او باید بدنش را بپوشاند و چارقد بر سرش کند. این حجاب و همینطور نظم مدرسه اسلامی به او می گوید که باید کمتر بخندد، کمتر حرکت داشته باشد، زیاد به ورزش و تحرک فکر نکند و سعی کند دختری فرمانبردار و سر به راه باشد. اصلاً تحرک می تواند برایش خطرناک باشد و پرده بکارت او را پاره کند. آنوقت دیگر کابوس زندگی اش شروع می شود.

چندی پیش بهزیستی استان تهران اعلام کرد که حتی با مهد کودک‌هایی که برنامه‌های "غیر اخلاقی" از جمله رقص و موزیک به کودکان درس می دهند، برخورد می شود. همین کودک وقتی پا به مدرسه می گذارد وضعیت سخت تر می شود. در ۹ سالگی با جشن تکلیف کودکی اش را هم به پایان می رسانند. با تکرار هر روزه نماز، دعا و خرافات یک زندگی نرمال و رشد طبیعی را هم از او سلب می کنند، چه رسد به داشتن اوقات فراغت. همه این الزامات که با روحیه کودک هماهنگی ندارد، ضدیت آشکار با انتخاب گذراندن اوقات فراغت او هم دارد. فضای شاد مهد کودک را با فضای غم زده اسلامی، مرده پرستی، شهید پروری و نوحه خوانی پر کرده اند. آنچه را که می توان به آن اوقات فراغت گفت، آنچه را که می تواند آموزش را برای کودک آسان کند و به او آرامشی را اعطا کند که از آموزش بیشترین بهره را ببرد، خلاقیتش را بیشتر کند و ذهنش را برای یادگیری آماده کند، از او گرفته اند.

نه فراغتی، نه ابزاری، نه فعالیتی، نه امکاناتی. همه چی باید در چارچوب افکار بیمار گونه ولایت فقیه و اسلام تعریف شود و گرنه اجازه حیات ندارد. امکان دارد برای فرزندان یک در صد از جمعیتی که امکان مالی بالایی دارند فعالیت‌هایی باشد که با خواست کودکان آنها در مورد گذراندن اوقات فراغتشان خوانائی داشته باشد ولی آن ۹۹ درصد دیگر از آن برخوردار نیستند. امکان داشتن فعالیت غیر درسی که کودک دوست دارد اگر در جامعه هم باشد فقط برای همین دسته است.

همه وضعیتی که برشمردم مربوط به کودکانی است که امکان رفتن به مدرسه دارند. آیا می توان از اوقات فراغت ۷ میلیون کودکی که از چرخه تحصیل محروم اند و در بازار کار بردگی می کنند حرف زد؟ کودکانی که تصادفاً در کشوری به دنیا آمده اند که یک مشت آخوند و معمم با افکار کپک زده حق معاش و برخورداری از یک زندگی انسانی را از آنها سلب کرده اند. حق فراغت، تفریح و آسایش و حق داشتن خلاقیت، کودک بودن و حق سلامتی را از آنها سلب کرده اند.

در کشورهای اروپائی طور دیگری است. اهمیت این که مهد کودک یا پیش دبستانی چقدر می تواند در علاقه مند شدن کودک به آموزش در آینده و به سلامت فکر او کمک نموده او را به آینده امیدوار کند، در اولویت است. ابزارهای مهم آموزشی در مهد کودک‌ها بازی، سرگرمی، بازیهای فکری، ورزش، نقاشی، موزیک و رقص است. اگر خانواده به دلیلی نتواند به کودک امکان برخورداری از داشتن اوقات فراغت بدهد جامعه و مدرسه این امکان را می دهد.

به دلیل آن که اهمیت اوقات فراغت، داشتن تحرک، ورزش و فراغ بالای در زندگی انسانها و در سلامت آنها روشن است جامعه موظف است که همه نوع تحرک و ورزشی را به کودکان ارائه دهد و آنها را به این امر فراخواند، برایش تبلیغ کند و امکانات آن را فراهم کند. دولت که پول مردم را در دست دارد موظف است برای این امر سازماندهی کند و بودجه لازم را در نظر گیرد. جمهوری اسلامی که ماهیتی به شدت ضد کودک دارد این حقوق را از کودکان سلب کرده است. یک زندگی شاد، ایمن و مرفه حق مسلم همه کودکان است.

تضمین رفاه و سعادت هر کودک مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. برخورداری از اوقات فراغت از حقوق اولیه کودکان است. اگر می‌خواهیم کودکان، آینده‌ای با حرمت داشته باشند مجبوریم برای به دست آوردن حقوق کودکان مبارزه کنیم. ابزار ما در این راه اتحاد و سازماندهی ماست. فراخوان من به همه فعالان و کسانی که خواهان دنیای بهتر برای کودکان هستند این است که از امکانات کودکان مقدم اند برای ایجاد تشکل استفاده کنید. با تلویزیون و نشریه ما همکاری کنید تا بتوانیم این امر مهم را با هم پیش ببریم.

منتشره در: نشریه کودکان مقدمات، شماره ۱۰۵